



شگرد عجیب مجرم حرفه‌ای
برای سرکیسه کردن طعمه‌ها

**کلاهبرداری
باعکس حیوانات**

۲

هوش سیاه

وسوسه قمار



همزمان با شروع مسابقات ورزشی، تبلیغات
سایت‌های شرط‌بندی شدت گرفته و
کلاهبرداران به دنبال شکار طعمه‌های
جدید هستند

۳

خانواده

**درخواست طلاق
برای تهدید شوهر**



۶

خاطره

شاهد آلزایمری

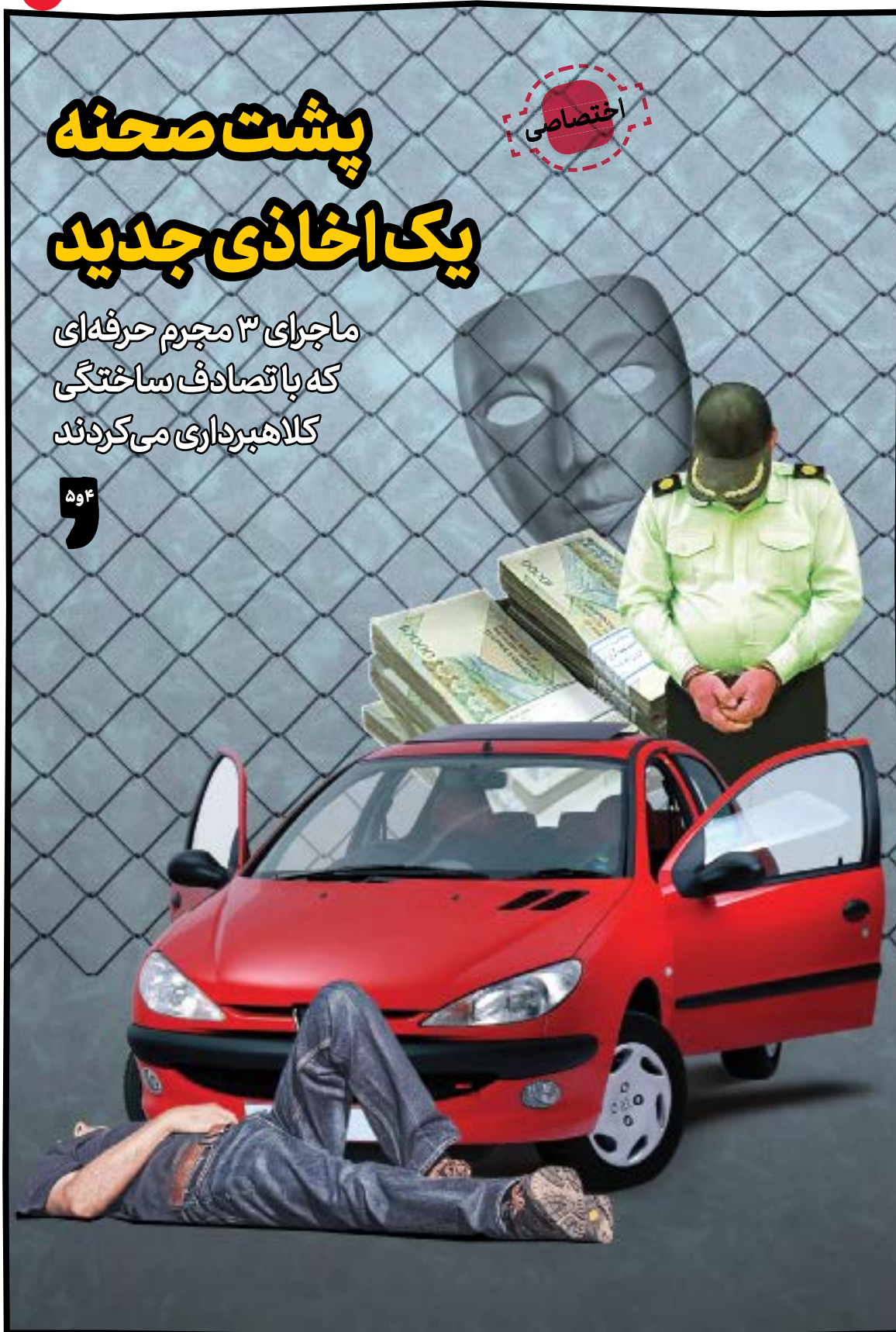


قتل زن سالخورده در مقابل چشمان
شوهرش یکی از خاطره‌های کارآگاه پلیس
آگاهی تهران است

پشت صحنه یک اخاذی جدید

ماجرای ۳ مجرم حرفه‌ای
که با تصادف ساختگی
کلاهبرداری می‌کردند

۵۴



طراح: احسان زنجفی

مزایده ۲۹۸۶ و ۹۹/۲۹۸۵ خودرو و اقلام
مرکز فروش کوثر

شرح در صفحه ۷

داده ها

مدبران سایت های شرط بندی برای فریب طعمه های خود ابتدا به آنها سود می دهند و پس از ترغیب طعمه ها به سرمایه گذاری بیشتر، با سرقت پول ها، ناپدید می شوند

داده ها



کلاهبرداری در پوشش سایت شرط بندی دوباره رونق گرفت

وسوسه قمار

این روزها با شروع دوباره بعضی مسابقات، بازار سایت های شرط بندی و تبلیغ و شکار کاربران برای حضور و بازی در این سایت ها بعد از سه ماه کسادی دوباره داغ است. سری به فضای مجازی که بنزد، از دیدن این حجم از سایت های شرط بندی و تبلیغات جان داری که برایش می شود، سرسام می گیرید. شاخ های اینستاگرامی داخل و خارج کشور هم قوز بالا قوز شده اند و با به تصویر کشیدن پیام های موفقیت ظاهری برخی کاربران شان در شرط بندی، دیگران را تشویق می کنند وارد سایت آنان شوند و در چند ثانیه، میلیون تومان پول بادآورده پاروکند.

دیدن و شنیدن همین جملات و تبلیغات کافی بود تا وسوسه و طمع دست پیدا کردن به یک پول هنگفت بی زحمت و دردسر مثل خوره به جان رامین ۳۵ ساله بیفتد. تماشای زندگی پر زرق و برق برخی شاخ های اینستاگرامی که سایت شرط بندی داشتند، چنان هوش و حواسی از رامین پرانده بود که به هیچ چیز جز پول فکر نمی کرد. برای فعالیت در این سایت ها با یکی از واسطه ها در بخش پیام خصوصی صفحه مجازی اش صحبت کرد. صاحب صفحه که متوجه حریص بودن رامین شده بود، از این فرصت سوء استفاده کرد و به او پیشنهاد داد با او همکاری کند و با سرمایه گذاری در سایت او، پول پارو کند. وسوسه داشتن یک حساب بانکی پروپیمان خواب و خوراک را از رامین گرفته بود. صاحب سایت شرط بندی هر روز با او صحبت می کرد و به او اطمینان می داد که سایت معتبری دارد و اگر در سایت او سرمایه گذاری کند، در مدت کمتر از یک سال به هرچه می خواهد، می رسد. رامین در ابتدا و با توجه به

هشدارهایی که در مورد سایت های شرط بندی خوانده بود، در انجام این کار تردید داشت، اما داشتن یک خودرو لوکس و خانه چند هزار متری و تفریح روزانه، او را وسوسه کرد تا برای یک بار شانسنش را امتحان کند. صاحب سایت که به هدفش رسیده بود، از رامین خواست هر مبلغ که می خواهد، وارد سایت کند. به او گفت هرچه سرمایه گذاری کند، ضرر نمی کند، چون اصل پول دست نخورده باقی می ماند و او هر وقت بخواهد می تواند آن را پس بگیرد. رامین هم بالاخره دل به دریا زد و ۳۰ میلیون تومان از حسابش بیرون کشید تا وارد سایت شرط بندی کند. در هفته های اول سود پولش را به صورت هفتگی دریافت می کرد. به دست آوردن پول بدون هیچ زحمتی، زیر دندان رامین حسایی مزه کرده بود و با دریافت سود، انگیزه اش برای فعالیت هر چه بیشتر در سایت شرط بندی و بازی های آنلاین، بیشتر و بیشتر می شد و حتی لینک عضوگیری را هم در صفحه اش قرار داد تا علاقه مندان به شرط بندی، سرمایه گذاری کنند. این روند ادامه داشت تا زمانی که رامین طبق معمول هفته های گذشته منتظر واریز پولش بود، اما هرچه منتظر ماند، خبری نشد. به صاحب سایت پیام داد و از او کمک خواست، اما صاحب سایت به محض دیدن پیام رامین، او را مسدود کرد. مرد جوان که در این مدت و به خاطر سرمایه گذاری های مداوم در سایت به شدت متضرر و حتی مقروض شده بود، به پلیس فتا مراجعه کرد و ماموران پس از دریافت و ثبت شکایت، تحقیقات خود را برای روشن شدن زوایای پنهان این پرونده آغاز و در نهایت متهم را دستگیر کردند.

سند برگ سبز، سندکمپانی و بنجاق خودرو
مزد، مدل ۸۸، رنگ سفید، به شماره انتظامی ۴۳۴ م ۵۵-ایران ۴۶، شماره موتور LF10908603 و شماره شاسی NAGCSX7CC11B09609 بنام **تینا احمدی پور** مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

شناسنامه مالکیت و کارت شناسایی **موتور سیکلت کبیر**، مدل ۹۶، رنگ آبی، به شماره انتظامی ۶۲۵۸۳-۵۸۲، شماره موتور 0149NCV221272 بنام **احمد ستوده گیلاوندانی** مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

آگهی مناقصه دومرحله ای شماره ۹۹/۳

چک شخصی ونظا پر آن؛ ترتیب اثر داده نخواهد شد.»
آخرین تاریخ در یافت «خرید» اسناد مناقصه: از تاریخ نشر آگهی حداکثر تا ساعت ۱۴ روز سه شنبه مورخ ۹۹/۰۳/۱۳ می باشد.
آخرین مهلت تحویل «ارسال» اسناد مناقصه: تحویل اسناد به دبیر خانه حداکثر تا پایان وقت اداری روز دوشنبه مورخ ۹۹/۰۳/۲۶ خواهد بود.
تاریخ و ساعت بازگشایی پاکات مناقصه: بازگشایی پاکت های شرکت کنندگان در مناقصه راس ساعت ۱۴ روز سه شنبه مورخ ۹۹/۰۳/۲۷ می باشد.
مکان بازگشایی پاکات مناقصه: سالن کنفرانس مخابرات منطقه گیلان واقع در طبقه پنجم ساختمان مرکزی بازگشایی خواهد شد.
حدنصاب بازگشایی پاکات مناقصه: حداقل دو پاکت رسیده و تحویل داده شده به دبیر خانه مخابرات گیلان

● **رعایت قانون حداکثر استفاده از توان فنی و مهندسی کشور الزامی است.**
توجه: الف) ارائه پیشنهاد قیمت توسط شرکت کنندگان در مناقصه، برای یک یا چند مورد از کل اقلام موضوع مناقصه بلامانع می باشد و مدیریت مخابرات منطقه گیلان نیز در خرید کالای موضوع مناقصه به صورت تجمعی و یا تفکیکی مختار می باشد. **ب)** به پیشنهادهای فاقد امضاء، شروط، مخوش و پیشنهادهایی که بعد از انقضاء مدت مقرر در فراخوان واصل شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد. در ضمن مخابرات منطقه گیلان در قبول یا رد هر یک از تمام پیشنهاد ها مختار بوده و در صورت رد پیشنهاد دلایل آن را به صورت مکتوب به پیشنهاد دهنده اعلام خواهد کرد. **ت)** ضمناً حضور نماینده نام انتخابی شرکت با ارائه معرفی نامه معتبر در جلسه روز بازگشایی پاکت مناقصه بلامانع می باشد.

تلفن: ۰۱۳-۲۲۱۳۲۳۲۵ دورنویس: ۲۲۱۳۲۳۲۵-۰۱۳

شرکت مخابرات ایران «منطقه گیلان»

کلیه اسناد و شناسنامه خودرو **پراید**، مدل ۸۳، رنگ مشکی، به شماره انتظامی ۷۵۲ ص ۲۹-ایران ۴۶، شماره موتور 00703850 و شماره شاسی S1412283273887 به نام **حسن صداقت** مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

آگهی مناقصه یک مرحله ای شماره ۹۹/۲

● «ضمناً به پیشنهاد های فاقد سپرده /مخدوش و یا کمتر از میزان مقرر؛ چک شخصی ونظا پر آن؛ ترتیب اثر داده نخواهد شد.»
آخرین تاریخ در یافت «خرید» اسناد مناقصه: از تاریخ نشر آگهی حداکثر تا ساعت ۱۴ روز سه شنبه مورخ ۹۹/۰۳/۱۳ می باشد.
آخرین مهلت تحویل «ارسال» اسناد مناقصه: تحویل اسناد به دبیر خانه حداکثر تا پایان وقت اداری روز دوشنبه مورخ ۹۹/۰۳/۲۶ خواهد بود. در ضمن مخابرات منطقه گیلان در قبول یا رد هر یک از تمام پیشنهاد ها مختار بوده و در صورت رد پیشنهاد دلایل آن را به صورت مکتوب به پیشنهاد دهنده اعلام خواهد کرد.
توجه: الف) ارائه پیشنهاد قیمت توسط شرکت کنندگان در مناقصه، برای یک یا چند مورد از کل اقلام موضوع مناقصه بلامانع می باشد و مدیریت مخابرات منطقه گیلان نیز در خرید کالای موضوع مناقصه به صورت تجمعی و یا تفکیکی مختار می باشد. **ب)** به پیشنهادهای فاقد امضاء، شروط، مخدوش و پیشنهادهایی که بعد از انقضاء مدت مقرر در فراخوان واصل شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد. در ضمن مخابرات منطقه گیلان در قبول یا رد هر یک یا تمام پیشنهاد ها مختار بوده و در صورت رد پیشنهاد دلایل آن را به صورت مکتوب به پیشنهاد دهنده اعلام خواهد کرد.
ت) ضمناً حضور نماینده نام انتخابی شرکت با ارائه معرفی نامه معتبر در جلسه روز بازگشایی پاکت مناقصه بلامانع می باشد.

تلفن: ۰۱۳-۲۲۱۳۲۳۲۵ دورنویس: ۲۲۱۳۲۳۲۵-۰۱۳

شرکت مخابرات ایران «منطقه گیلان»

طمع ویرانگر

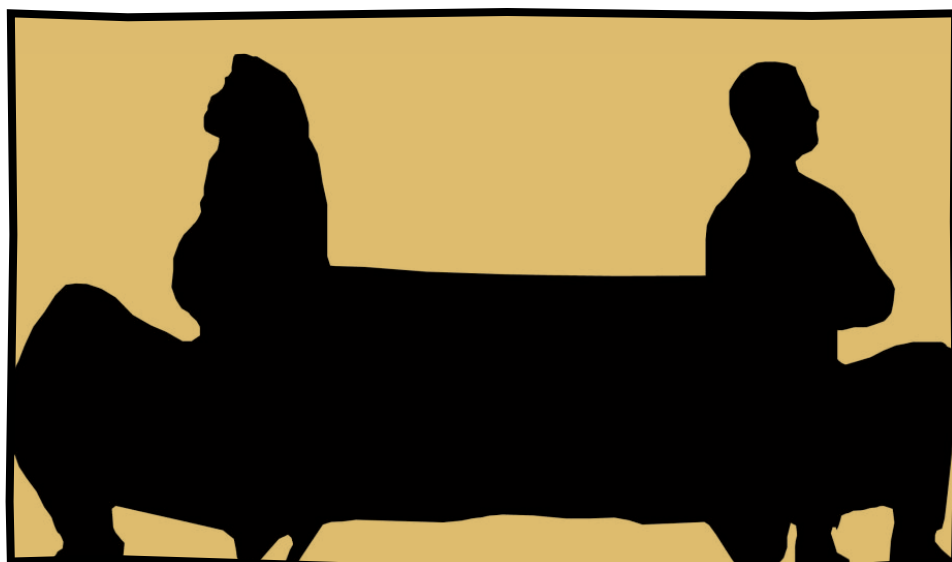
سرهنگ علی اصغر افتخاری، رئیس پلیس فتای استان هرمزگان در مورد این پرونده گفت: فردی با مراجعه به اداره پلیس مدعی شد در اینستاگرام مورد سودجویی مالی با انگیزه سرمایه گذاری در یک سایت شرط بندی قرار گرفته است. بر همین اساس، رسیدگی به این شکایت در دستور کار پلیس قرار گرفت. با اقدامات فنی و عملیاتی کارشناسان پلیس فتا مشخص شد متهم اصلی از طریق دایرکت و ارتباط متنی با شاکی، او را تشویق به سرمایه گذاری در وب سایت شرط بندی و دریافت سود تضمینی به صورت هفتگی می کرد. شاکی در ابتدا مبالغ کمی دریافت می کرد اما بعد از مدتی و زمانی که قصد داشت ده میلیون تومان دارایی اش را از سایت خارج کند، مسدود شد. متأسفانه امروزه، یکی از معضلات اجتماعی و اقتصادی در کشور، استقبال برخی کاربران از وب سایت های شرط بندی با وسوسه کسب ثروت فوری و آسان است که وب سایت های شرط بندی با استفاده از حربه های مختلفی مانند استفاده از کارت های بانکی اجاره ای، درگاه های واسط فروشگاه های اینترنتی، ارزهای دیجیتال و فیشینگ اقدام به فعالیت های متقلبانه و پولشویی می کنند؛ این در حالی است که مطابق شرع مقدس اسلام و قانون، قمار و شرط بندی حرام و جرم محسوب می شود. این افراد برای ترغیب طعمه ها برای سرمایه گذاری، در ابتدا به آنها پول می دهند اما بعد از مدتی سایت را مسدود کرده و بدون این که ردی از خود باقی بگذارند، ناپدید می شوند.]

بازورگویی به خواسته‌های خود نمی‌رسید

سارا شقاقی، روان‌شناس در این رابطه می‌گوید: معمولاً در بیشتر پرونده‌های طلاق و جدایی که من بررسی می‌کنم، یکی از مهم‌ترین عواملی که در زندگی زناشویی به جدایی یا جنجال می‌انجامد، خودخواهی و خودرایی است. یعنی اینکه هر دو طرف سعی دارند با زور و اجبار خواسته خود را به دیگری تحمیل کنند. در صورتی که همیشه زور و اجبار در هر شرایطی باعث فروپاشی یک رابطه می‌شود. گاهی اوقات زن یا مرد خواسته‌ای دارند که احتمال دارد خواسته آنها به حق باشد، ولی برای بیان این خواسته و اجرای آن از سوی طرف مقابلشان به زور و اجبار متوسل می‌شوند. همین باعث می‌شود که طرف مقابل این تحمیل و اجبار را نپذیرد و از اجرای آن خواسته سر باز زند. همین موضوع باعث جنجال و لج و لجاجت می‌شود. جنجال‌ها ادامه پیدا می‌کند و در نهایت به فاجعه‌ای به نام جدایی و طلاق می‌انجامد. زن و شوهر باید این را بدانند که خودخواهی و تحمیل خواسته‌ها، هرچقدر هم به حق باشد سلامت یک رابطه را به خطر می‌اندازد. تعامل زوجین باید در مورد زمان بچه دار شدن بیشتر شود و اگر همسر مخالف است، باید او را با دلایل قانع کنند. لجبازی و اجبار نمی‌تواند راهگشا باشد و همیشه بهترین راه حل مشکلات گفت‌وگو است.



زوج‌ها باید بدانند خواسته‌های خود را هرچند به حق نباید به طرف مقابل تحمیل کنند و این تحمیل خواسته، سلامت یک رابطه را به خطر می‌اندازد



در خواست طلاق برای تهدید شوهر

دوست دارم فرزندم را در آغوش بگیرم. ولی نادر آنقدر خودخواه است که این موضوع برایش مهم نیست. ما سن و سالمان زیاد شده و همین مساله می‌تواند روی بچه‌دار شدنمان تاثیر بدی بگذارد. چند وقت دیگر که بگذرد، من و نادر باید برای همیشه با فرزند داشتن خداحافظی کنیم و الان وقت آن است که ما صاحب فرزند شویم. ولی نادر راضی نمی‌شود. من هم وقتی دیدم او حاضر نیست کوتاه بیاید، تصمیم گرفتم به دادگاه خانواده بیایم و درخواست طلاق بدهم. می‌خواستم با این کار نادر را تهدید کنم تا شاید سر عقل بیاید و به نظر من احترام بگذارد. اما او موافقت که نکرد هیچ حتی گفت حاضر است از من جدا شود. وقتی بی‌تفاوتی او را دیدم تصمیم گرفتم برای همیشه از او جدا شوم. در ادامه شوهر این زن نیز به قاضی گفت: آقای قاضی من دوست ندارم بچه از پرورشگاه بیاورم و بزرگ کنم. این کار عشق زیاد می‌خواهد. من آمادگی اش را ندارم. نمی‌گویم این کار بد است، فقط من دوست دارم فرزند خودم را بزرگ کنم. الان هم که علم دارد پیشرفت می‌کند، امید دارم که روزی درمان این بیماری هم پیدا می‌شود و ما به خواست خدا صاحب فرزند شویم. اما پونه متوجه این ماجرا نیست و فقط حرف خودش را تکرار می‌کند. این مساله‌ای نیست که خودش به تنهایی تصمیم بگیرد. من هم باید راضی باشم. ولی او فقط حرف خودش را می‌زند و حتی تهدید می‌کند که اگر قبول نکنم از هم جدا می‌شویم. من هم قبول کردم چون دیگر نمی‌خواهم در کنار این زن خودخواه زندگی کنم. در پایان نیز قاضی سعی کرد این زوج را از جدایی منصرف کند و رسیدگی به این پرونده را به جلسه آینده موکول کرد.

پونه وقتی دید شوهرش راضی نمی‌شود تا آنها نوزادی را به فرزند قبول کنند، تصمیم عجیبی گرفت و برای راضی کردن شوهرش تصمیم گرفت درخواست جدایی دهد تا با این تهدید شوهرش خواسته او را قبول کند. اما این تهدید به نابودی زندگی مشترکش منجر شد و در نهایت این زوج جوان راهی دادگاه خانواده تهران شدند تا دادخواست جدایی خود را ارائه دهند. زن جوان وقتی روبه‌روی قاضی دادگاه خانواده تهران قرار گرفت، درباره زندگی‌اش گفت: ۹ سال می‌شود که با نادر ازدواج کرده‌ام. من و نادر در یک مهمانی با هم آشنا شدیم و وقتی احساس کردیم به هم علاقه‌مند هستیم، تصمیم به ازدواج گرفتیم. حدود ۵ سال گذشت تا این که متوجه شدیم نمی‌توانیم صاحب فرزند شویم. نزد پزشکان مختلفی رفتیم و کلی دارو مصرف کردیم. اما در نهایت مشخص شد مشکل از نادر است و او نمی‌تواند صاحب فرزند شود. از آن زمان به بعد زندگی ما به جهنم تبدیل شد. من که آرزو داشتم مادر شوم، سعی کردم نادر را راضی کنم تا یک بچه را از پرورشگاه بیاوریم و بزرگ کنیم، اما نادر به هیچ عنوان قبول نکرد و گفت که اگر می‌خواهم کنارش زندگی کنم، نباید این خواسته را تکرار کنم. همیشه می‌گفت باید منتظر بمانیم تا شاید او درمان شود و می‌گفت دوست دارد فرزند خودمان را داشته باشیم. الان سه چهار سال می‌شود که نه درمان‌ها جواب داده و نه نادر راضی می‌شود از پرورشگاه یک نوزاد بیاوریم و بزرگ کنیم. من هم دیگر نمی‌توانم صبر کنم. خسته شدم از بس تنها ماندم.

سیمافراہانی

تپش





انواع لنت ترمز و قطعات اصطکاکی را از جهان لنت بخواهید.


۰۲۱۸۸۷۳۷۹۵۹

www.jahantormoz.com




ماجرای ۳ مجرم حرفه‌ای که با تصادف ساختگی کلاهبرداری می‌کردند

پشت صحنه یک اخاذی جدید

اتفاقی نمی‌افتد. جوان سیاه‌پوش دست‌بردار نیست. دوباره صورتش را با آرنجش می‌پوشاند و دوان دوان به سمت خودرو خیز برمی‌دارد و لگدهای محکم دیگری نثار سپر می‌کند. هدفش مشخص است. می‌خواهد راننده را عصبانی کند تا از خودرویش پیاده شده و با او درگیر شود، اما راننده با خونسردی، از تمام لحظات فیلم می‌گیرد و واکنشی نشان نمی‌دهد. جوان سیاه‌پوش که می‌بیند راننده نسبت به حرکات او بی‌توجه است، دست از لگد زدن برمی‌دارد و این بار با سرعت گرفتن خودرو، عقب می‌ماند.

فیلم، ۳۰ ثانیه بیشتر نیست. خودرویی به آرامی، در حال حرکت است و جوان سیاه‌پوشی، هر چند ثانیه یکبار به سمت خودرو می‌دود و لگدی به سپر آن می‌زند. بعد از لگد زدن، چون می‌داند راننده در حال فیلمبرداری از او است، آرنج دست چپش را روی صورتش می‌گذارد تا چهره‌اش توسط لنز دوربین شکار نشود. خیابان شلوغ است و جمعیت عین مور و ملخ در هم می‌لولند، اما هیچ‌کس، واکنشی به لگدهای مرد نشان نمی‌دهد. انگار نمی‌بینند، انگار که هیچ

لیلا حسین‌زاده
تپش

عملی می‌کردند. پس از این که یکی از این سه سارق، طعمه مناسب را پیدا و با خودرویش برخورد می‌کرد، نفر دوم سارقان به عنوان رهگذر وارد ماجرا می‌شد و با گفتن جملاتی سعی می‌کرد راننده را مقصر جلوه دهد.

بعد ادعا می‌کرد با پلیس تماس می‌گیرد، اما این‌طور نبود و در واقع او با همدست سوم خود یعنی مامور قلابی ناجا تماس می‌گرفت. پس از تماس تلفنی دروغین فرد دوم، مامور قلابی وارد ماجرا می‌شد و به راننده می‌گفت با توجه به صحنه تصادف و نوع برخورد، مقصر شما هستی. رضایت بگیر و خسارتت را پرداخت کن، در غیر این صورت ماشینت می‌خواهد. راننده هم برای درگیر نشدن با مسائل پس از آن، پول می‌داد. این یک نوع سرقت بود، در شکل دیگر، یک نفر از سارقان در حین این‌که دو نفر دارند در مورد مقصر بودن یا نبودن بحث می‌کنند، از این وضعیت سوء استفاده کرده و گوشی تلفن همراه یا کیف راننده را از داخل خودرو سرقت می‌کرد.

آن‌طور که سرهنگ موقوفه‌ای توضیح می‌دهد، هر سه سارق دستگیر شده، هیچ سوءسابقه‌ای نداشتند و جزو اراذل و اوباش منطقه نیز نبودند و منطقه فعالیت آنها نیز اطراف حرم حضرت عبدالعظیم بود.

این باند پس از دستگیری اعتراف کردند که در طول سه ماه فعالیت مجرمانه خود، ۱۵ فقره سرقت انجام داده و از هر راننده بین ۳۰۰ هزار تا یک میلیون تومان سرقت کرده‌اند، اما هیچ خودرویی سرقت نشده است.

ساختگی، راننده که مطمئن بود مقصر این تصادف او نیست، به جای اعتماد به فردی که با پلیس تماس گرفته بود، هوشیاری به خرج داده و گفته بود خودم باید با پلیس تماس بگیرم. در همین حین، وقتی سارقان متوجه می‌شوند که پلیس ۱۱۰ تا دقایقی دیگر در محل حاضر خواهد شد، با راننده درگیر می‌شوند تا فرار کنند. در نهایت پلیس از راه می‌رسد و با تحقیقات اولیه، حقیقت ماجرا آشکار می‌شود.

جانشین پلیس پیشگیری تهران بزرگ در تشریح نحوه فعالیت این باند ادامه می‌دهد: «این باند سه نفره، شامل سه جوان ۲۷ و ۲۹ و ۲۵ ساله بودند که یک نفر از آنها، مامور قلابی با لباس ناجا بود و بیسیم هم داشت. دو نفر دیگر هم به عنوان رهگذر، لباس‌های افراد کم‌برخوردار جامعه را می‌پوشیدند، تا بتوانند با تحریک حس دلسوزی مردم، کلاهبرداری کنند. این باند عمدتاً افراد دارای خودروهای مدل بالا، سالمندان و خانم‌ها را طعمه قرار می‌دادند. به هرحال پرداخت هزینه تصادف برای افراد متمکن چندان اهمیتی ندارد و با فرد تصادفی توافق کرده و مبلغی به او پرداخت می‌کنند. در مورد راننده‌های سالمند نیز با این برآورد که این‌ها توان مراجعه به محاکم قضایی و پاسگاه را ندارند، سعی می‌کردند او را راضی به پرداخت خسارت کنند. آخرین طعمه آنها، خانم‌ها بودند.

برخی خانم‌ها پس از وقوع تصادف، دچار استرس شده و در آن شرایط، قدرت نشان دادن واکنش مناسب را ندارند. سارقان نیز با سوءاستفاده از این شرایط نیت پلید خود را

لگدهای مرد جوان به خودرو جای سوال زیادی داشت، اما واکنش بسیاری از مردم نسبت به این اتفاق در فضای مجازی تا حدود زیادی خنثی بود. شاید اگر دو ورزشکار و هنرپیشه با گذاشتن استوری و پست در فضای مجازی به جان هم می‌افتادند و طرفداران‌شان نیز با نثار انواع جملات در کامنت‌ها از خجالت هم درمی‌آمدند، یا شاخ‌های مجازی به جان هم می‌افتادند، حسابی سروصدا می‌کرد و حتی پربازدید هم می‌شد، اما از این ماجرا، کک خیلی‌ها نگزید و خیلی راحت از کنار آن رد شدند.

هرچه واکنش فضای مجازی نسبت به این فیلم، کم حرارت بود، اما برای سرهنگ جلیل موقوفه‌ای، جانشین پلیس پیشگیری تهران بزرگ، معنای دیگری داشت. یک اتفاق بسیار جدی بود که ممکن بود برای هر راننده دیگری تکرار شود و وقوع یک جرم و شاید جنایتی را رقم بزند. برای همین در مصاحبه با رسانه‌ها به رانندگان چند هشدار کلیدی داد و گفت: «نباید فریب این رفتارها را بخورند و با خودداری از درگیری، در اولین فرصت با پلیس ۱۱۰ تماس بگیرند.»

در همین اثنا، ماجرای اتفاق افتاد که دست یک باند را برای پلیس رو کرد. سرهنگ موقوفه‌ای در این باره به تپش می‌گوید: «پس از ارائه این توصیه‌ها، کلانتری ۱۷۲ حرم حضرت عبدالعظیم، باندی را شناسایی کرد که با استفاده از همان شوگرهای قبلی، یعنی ایجاد یک صحنه تصادف ساختگی و کوبیدن عمدی خود به خودرو، راننده‌ها را تحریک می‌کردند تا از خودروشان پیاده شوند. در یکی از همین تصادف‌های



سه عضو باند با
نقشه‌ای حساب شده
سراغ رانندگان زن و
سالخورده رفته و با
ایجاد تصادف ساختگی
و پلیس‌بازی، رانندگان
را سرکیسه می‌کردند



پرونده های مشابه

❏ اخاذی خانوادگی

پلیس تهران سال گذشته نیز باند دیگری را دستگیر کرد که به همین شیوه از رانندگان پولدار اخاذی می کرد. اعضای این باند، عضو یک خانواده بودند و ماموران با طرح شکایت های مشابه از آنها، تحقیقات برای دستگیری شان را آغاز کردند. سرانجام چهار عضو این باند شناسایی و در عملیاتی دستگیر شدند.

متهم اصلی پرونده که مردی ۴۵ ساله است، در اظهارات خود به کارآگاهان گفت: مدت یک سال است به شیوه تصادف ساختگی از رانندگان خودروهای عبوری در مناطق سعادت آباد، پونک، جنت آباد، تهرانسر، اتوبان آزادگان و... زورگیری و اخاذی می کنیم.

اغلب سوژه های خود را از میان خودروهای لوکس و گران قیمت و با رانندگان جوان و کم تجربه انتخاب و با تمارض طوری رفتار می کردیم که افراد متوجه ساختگی بودن تصادف نشوند. با تشکیل گروه های دو و سه نفری در خیابان ها با کوبیدن عمدی دست خود به آینه بغل خودرو و با داد و فریادهای دروغین وانمود می کردیم مصدوم شده ایم.

اگر خودروی مد نظر متوقف می شد، نقشه اخاذی را اجرا می کردیم و در صورتی که سوژه فرار می کرد، با خودروهایی که داشتیم دنبال او می رفتیم و راننده را در محلی مناسب گیر می انداختیم و از او به زور پول می گرفتیم.

❏ شگردی متفاوت

کارآگاهان پایگاه نهم پلیس آگاهی تهران هم باندی را منهدم کردند که با خودروهای تصادفی تصادف می کردند. اعضای این باند با خودروهای تصادفی در مسیر رانندگان دیگر قرار گرفته و باعث تصادف آنها با خود می شدند. متهمان طوری برنامه ریزی می کردند که راننده دیگر مقصر شود.

در همین هنگام دیگر اعضای باند در پوشش رانندگان عبوری در محل حضور پیدا می کردند و راننده مقصر را قانع می کردند که با پرداخت خسارت به ما چرا پایان دهد و خود را درگیر بیمه و روند اداری آن نکنند. اگر

راننده راضی به پرداخت پول نمی شد، متهم اصلی خالکوبی روی دستش که نوشته بود «من از مردن نمی ترسم» را نشان می داد و با تهدید اخاذی می کرد.

با دستگیری متهمان ۳۲ نفر که قربانی اخاذی اعضای این باند شده بودند شکایت خود را مطرح کردند.

توصیه های طلایی برای رانندگان

هشدارهای پلیس پیشگیری یعنی اتمام حجت. اگر با گوش جانت بشنوی، نه مالت را به یغما می برند و نه می توانند به جانت گزند برسانند.



با این که سرهنگ موقوفه ای توصیه هایی برای درمان ماندن از شگردها و ترفندهای سارقان کرده بود، با دستگیری این باند، هشدارهای کامل تری به رانندگان می دهد و می گوید: «در قدم اول، رانندگان شیشه ها را بالا داده، درها را قفل کرده و از خودرو پیاده نشوند، حتما کسی که پشت فرمان و راننده است، با پلیس ۱۱۰ تماس بگیرد و اعلام موقعیت کند و به تماس های سایر افراد حاضر در صحنه اعتماد نکنند. مشخصات ظاهری افراد را به خاطر بسپارند که اگر قبل از رسیدن پلیس محل را ترک کردند، ماموران سرنخی برای دستگیر کردن آنان داشته باشد که بسیار کمک کننده است. پس از حضور پلیس حتما از او کارت شناسایی بخواهند تا هویت او محرز شود، زیرا ملبس بودن به لباس فرم پلیس یا داشتن بیسیم، دلیل قانع کننده ای برای پلیس بودن فرد نیست. در مواردی ممکن است پلیس از ارائه کارت شناسایی خودداری کند یا احتمال دارد کارت شناسایی همراهش نباشد. در چنین مواردی شهروندان می توانند با سامانه فوریت های بازرسی ۱۹۷ تماس بگیرند و اعلام کنند ماموری مراجعه کرده و از ارائه کارت شناسایی یا حکم ماموریت خودداری می کند. در این شرایط، اکیب های سیار سامانه بازرسی پلیس تهران به محل مراجعه کرده و موضوع را بررسی می کنند که آیا فرد مورد نظر پلیس است یا در این پوشش، قصد ارتکاب اعمال مجرمانه دارد.»



یک سوال درباره فروش لباس نظامی

راسته حسن آباد پر است از فروشنده های لوازم و البسه نظامی. از درجه های رنگارنگ نظامی بگیرد تا لباس ها و کلاه ها و پوتین های مدل به مدل. فروشنده های قدیمی که حتی سابقه ۷۰-۶۰ ساله هم دارند. گمرک هم دست کمی از حسن آباد ندارد.

شاید برای خیلی ها جای سوال باشد که چرا پلیس مانع فعالیت فروشندگان لوازم نظامی نمی شود تا فکر سوء استفاده از آن به ذهن کسی خطور نکند. پاسخ این سوال را جانشین پلیس پیشگیری پایتخت می دهد: «در خصوص فروش این لباس ها و سوء استفاده هایی که گاهی رخ می دهد، با معضل اساسی مواجه نیستیم و این طور نیست که اپیدمی شده باشد، اما به هرحال کسانی هستند که با تهیه این لباس ها دست به اخاذی می زنند. این موضوع تنها به تهران اختصاص ندارد و در حوزه کلان مطرح است. قصد نداریم توپ را به زمین سازمان یا نهاد خاصی بیندازیم، اما در خصوص کنترل این موضوع، ما تصمیم گیرنده نیستیم. باید جرم انگاری شده و گفته شود که البسه و لوازم نظامی باید با در نظر گرفتن چارچوب خاصی به افراد واجد شرایط ارائه شود تا مورد سوء استفاده مجرمان قرار نگیرد.»



روز از نو، جرم از نو

فیلم لگد زدن مرد جوان به خودروی فردی را مشاهده کرده ام و متأسفانه حامل پیام خوبی نیست. اولین سوالی که مطرح می شود این است که چه شرایطی موجب شده تا برخی افراد و مجرمان دست به ابداع جرم های جدید در جامعه بزنند و امنیت جامعه را به

دکتر افسر
افشار نادری

جامعه شناس و
استاد دانشگاه

خطر بیندازند؟ اصطلاحی وجود دارد که می گوید هزینه ارتکاب جرم، کمتر از انتخاب شغل است. وقتی هزینه ارتکاب جرم را کاهش داده ایم، خواه ناخواه این معضل در جامعه افزایش پیدا می کند، چون شرایط نابسامان اقتصادی به مردم این اجازه را نمی دهد شغل پیدا کنند. اگر هم شغلی پیدا کنند، فایده و سودی که به دست می آورند، آن قدر چشمگیر نیست که با آن امورات خود را بگذرانند. با این اوضاع تصور می کنید چه راهی برای گذران زندگی خود و خانواده شان دارند؟

پلیس می تواند برخوردهای بیشتری با باندها و مجرمانی داشته باشد که آزادانه فعالیت می کنند. وقتی برخی مردم خلافکار شده اند، نمی شود همه آنها را به زندان برد و هزینه مازاد اقتصادی به دولت تحمیل کرد. پس وقتی شرایط نابسامان است و جایی نیز برای نگهداری از مجرمان در زندان وجود ندارد، نتیجه اش، پخش شدن آنان در میان مردم و به خطر افتادن امنیت جامعه است.

مساله دیگر در این فیلم، بی تفاوتی مردم به لگدهای مرد جوان است که بی علت نیست. مردم دیگر نمی خواهند یک دردرس به دروسهای دیگرشان اضافه شود و بنابراین ترجیح می دهند با این مجرمان که اغلب مسلح و خلافکار هستند، درگیر نشوند.

مردم دوست ندارند

یک دردرس به

دردسرهای خود اضافه

کنند و به همین خاطر

با دیدن صحنه هایی

مثل لگد زدن مردی به

خودرویی بی تفاوت از

کنار آن عبور می کنند





اولین باری که برای تعمیر یخچال با به خانه بلقیس گذاشتم
طلاهایی که به خودش آویزان کرده بود بد جوری به چشم می آمد



شاهد آلزایمری

برملایی راز قتل پیرزن مقابل چشمان همسرش
خاطره یکی از کارآگاهان جنایی پلیس آگاهی پایتخت است

زندگی آنهاست. زن خدمتکار که طیبه نام داشت، می توانست دست به قتل زده باشد یا اطلاعاتی از این جنایت به ما بدهد. آدرس او را خواستیم اما دختر بلقیس هیچ آدرس و نشانی از طیبه نداشت. باین احتمال که شاید همسایه ها زن خدمتکار را بشناسند سراغ همسایه ها رفتیم و در نهایت یکی از آنها شماره تماسی از خدمتکار جوان در اختیار ما قرار داد.

سرخی از یک مظنون

با شماره تلفنی که از طیبه به دست آوردیم، آدرس محل زندگی اش هم به دست آمد و راهی خانه او شدیم. طیبه زن موجهی با چهار فرزند بود و بررسی ها نشان می داد در این جنایت نقشی ندارد. اما زن جوان به ما اطلاعاتی داد. او گفت: «حدود پنج ماه قبل یخچال خانه خراب شد، می خواستم

تأیستان بود که خبر قتل زن سالمندی را در یکی از خیابان های غرب پایتخت به ما اعلام کردند. راهی محل جنایت شدیم؛ جسد زنی حدوداً ۷۰ ساله به نام بلقیس داخل پذیرایی افتاده بود. کبودی روی گردن و دهان مقتول حکایت از قتل بر اثر خفگی داشت. از خانه سرقت شده بود اما وسایل بهم ریخته نبود و ورود به زور هم دیده نمی شد. سرخ ها به ما می گفت، جنایت از سوی فردی آشنا صورت گرفته است.

شاهدی برای جنایت

دختر مقتول، جنایت را به ما گزارش کرده بود. او زمان قتل در خانه نبود، اما به غیر از مقتول شخص دیگری در خانه حضور داشت که ماجرا را دیده بود. در حقیقت ما شاهدی برای جنایت داشتیم، شوهر ۸۰ ساله مقتول اما او آلزایمر داشت پس در حقیقت هیچ شاهدی وجود نداشت. سراغ دختر جوان رفتیم و او در تحقیقات گفت به کسی برای این جنایت مشکوک نیست فقط مدتی است برای پدر و مادرش مستخدمی گرفته اند که تنها فرد جدید در

زنگ بزنم به یک تعمیرکار اما بلقیس خانم گفت پسری که از همسایه ها تعمیرکار است و از او کمک بگیریم. من هم به سفارش بلقیس شماره کامبیز را گرفتم و او یخچال را تعمیر کرد.

اعتراف به قتل

در نهایت پسر جوان به قتل اعتراف کرد و گفت: «از شب تا به حال خواب به چشمم نیامده. مدام صحنه قتل بلقیس خانم جلوی چشمم است. باور کنید نمی خواستم این کار را بکنم، اما وسوسه پول باعث شد

تادست به جنایت بزنم.» او ادامه داد: «اولین باری که برای تعمیر یخچال پا به خانه بلقیس گذاشتم طلاهایی که به خودش آویزان کرده بود بد جوری به چشم می آمد. اما آن روز به فکر سرقت نیفتم، راستش را بخواهید آن روز مثل الان بی پول نبودم. چند بار دیگر که برای دیدن یخچال به آن خانه رفتم، متوجه شدم که او به همراه شوهرش زندگی می کند؛ مردی که آلزایمر دارد و حتی یک لحظه قبل را هم به خاطر نمی آورد.

البته این را هم بگویم، دفعه دومی که بلقیس را دیدم از طلاها خبری نبود و او بدون آن که

حواستش به من باشد به خدمتکارش گفت که طلاهایش را در کشوی میز گذاشته و من فهمیدم جای طلاها کجاست.» کامبیز چند لحظه ای سکوت کرد و گفت: «مدتی قبل با مشکل مالی مواجه شدم و آن موقع یاد طلاهای بلقیس خانم افتادم. آن شب حدود ساعت ۸ زنگ خانه بلقیس خانم را زدم. پیرزن در را باز کرد و من به بهانه سر زدن به یخچال وارد شدم. او برایم چای ریخت و می خواست میوه بیاورد که از پشت جلوی دهانش را گرفتم و آنقدر فشار دادم که دیگر نفس نکشید. پیرزن را مقابل چشمان شوهرش کشتم، و فقط مرا نگاه می کرد. خوب می دانستم هیچ چیزی از این ماجرا به یاد نخواهد آورد.

داخل کشوهای کمد را گشتم و بعد از پیدا کردن و برداشتن طلاها از خانه خارج شدم. برای این که کسی با دیدن آنها به من مشکوک نشود طلاها را چندکوپه آن طرف تر در یک خانه مخروبه دفن کردم تا سرفرصت به سراغشان بروم و آنها را بفروشم.

کامبیز به قتل اعتراف کرده بود و ما باید اموال مسروقه را هم پیدا می کردیم، همان موقع او را سوار خودروی ما کردیم و به محل مورد نظر رفتیم. نیمه شب بود که به خرابه رسیدیم و بعد از دقایقی موفق شدیم دستمالی که جواهرات پیرزن داخل آن پیچیده شده بود را از زیر خاک بیرون بیاوریم.

پسر جوان راهی زندان شد تا به خاطر این جنایت مجازات شود.



دفتر مرکزی: رشت، پیربازار، گشترو، شرکت سپید ماکیان
تلفن: ۰۱۳-۳۳۷۱۷۵۳۰۷ فکس: ۰۱۳-۳۳۷۱۷۵۳۰۷

دفتر فروش: تهران، بزرگراه یادگار امام شمال، خیابان اینترگران
شمالی خیابان برادران شهید فیروزی، بین کوچه الوند و الموت،
پلاک ۲ تلفن: ۰۲۱-۴۵۸۵۴۰۰۰



سپید ماکیان

دفتر تهران:
۰۲۱ ۳۶ ۸۴ ۱۶ ۹۷
۰۲۱ ۳۶ ۸۴ ۱۰ ۸۳
zarifpolymer

دفتر اصفهان:
۰۳۱ ۳۶ ۶ ۵۵۳
۰۳۱ ۳۶ ۶ ۵۵۷



سازمان غذا و دارو
۱۵/۱۴/۵۶

• دارای بسته بندی تکی، مقوایی
• بدون زوایای تیز و اگر بیهوده
• دارای کوی های جدا کننده برای مسائل ته
• سایر معایب انگشتان اکثر خانواده های ایرانی
• با معایب انگشتان در زمان سر زدن دندانها
• دارای نشان صابون، سلامت از سازمان غذا و دارو
• تولید شده با مواد مخصوص سلامت قنطاری پزشکی
• دارای برش های فشرده و ترک برای جدا کردن پلاک ها از دندانها

بزم نابودی

جایی برای رفتن و ماندن نداشتیم. به خانه هم نمی توانستیم برگردیم، چون می دانستیم دیگر جایی در آن خانه ندارم. روزها را گدایی می کردم تا با پولی که مردم می دادند، غذایی بخورم، شب ها هم به خرابه ها می رفتم و می خوابیدم. یک روز که مشغول گدایی بودم، زن جوانی که کیفش را گم کرده بود، به من تهمت زد که من آن را دزدیده ام. با داد و بیداد کردن مردم را دور خودش جمع کرد. آن قدر التماس و گریه کردم تا همه باور کردند من دزد نیستم و واقعا هم نبودم. بعد از آن، با زنی آشنا شدم که در بهزیستی کار می کرد و به من گفت می تواند به من کمک کند تا اعتیادم را ترک کنم. با این که باور نداشتم و برایم ترک کردن بسیار سخت بود، اما پذیرفتم. با او به یکی از کمپ های ترک اعتیاد رفتم و هم اکنون در حال درمان هستم. امیدوارم بتوانم موفق شوم و زندگی جدیدی را شروع کنم. ❏

مشروب مست کرده بودیم، او به من تجاوز کرد و فردا صبح بود که فهمیدم چه اتفاقی برایم افتاده است. من از خانواده ام فراری بودم و برای همین به خانه مجردی مهران رفتم. هر چند بود و نبودم هم برای شان فرقی نمی کرد. یک نان خور کمتر به نفع پدرم بود. تا چند ماه با آن پسر زندگی می کردم و هزینه مواد را هم می داد. بعد از مدتی علاوه بر گل، حبشیش و هروئین را هم اضافه کردم. چون آن پسر می کشید، به من هم داد امتحان کنم و کم کم به این مواد هم اعتیاد پیدا کردم. در اثر اعتیاد، وضعیت چهره ام خیلی به هم ریخته شده بود. طوری بود که آن پسر مرا از خانه اش بیرون کرد. بعد از آن دیگر

از این بود. دوم راهنمایی که بودم وقتی دوستم دنبالم می آمد و با هم بیرون می رفتیم، برای اولین بار با مواد آشنا شدم. او گل می کشید و من هم به خاطر فازی که او تجربه می کرد، برای اولین بار گل را امتحان کردم. فاز خوبی داد و خیلی خوشم آمد. بعد از آن یا با او یا تنگی هرجایی که فازش می آمد گل می کشیدم. کم کم پایم به مهمانی های مختلف باز شد و در یکی از همین مهمانی ها با پسری آشنا شدم. ادعا می کرد خیلی دوستم دارد و من هم چون به شدت کمبود محبت داشتم، عشق او را پذیرفتم. بعد از چند مهمانی، یک شب که در اثر نوشیدن

هر هفته در این ستون سرگذشت یکی از معتادانی که بعد از سال ها مصرف مواد موفق به ترک شده است را مرور می کنیم. این هفته سراغ نیلوفر رفتیم که دوستی با پسری در یک مهمانی شبانه زندگی اش را در مسیر سقوط قرار داد.

نیلوفر که ۲۲ سال بیشتر ندارد از ۱۴ سالگی با دود و دم و وافور آشنا شد: «در خانواده سطح پایینی به دنیا آمدم و پنج خواهر و برادر هستیم. مادرم فوت شده بود و پدری داشتم که حواسش به هیچ کدام مان نبود. از همه مان می خواست کار کنیم و بخشی از درآمد مان را هم به او بدهیم. من تا کلاس نهم بیشتر درس نخواندم و بعد هم درس را رها کردم. از اول هم علاقه ای به درس خواندن نداشتم. نمی دانم شاید اگر مادرم زنده بود و هوای مان را داشت، شرایط مان بهتر

مزایده ۲۹۸۶ و ۹۹/۲۹۸۵ خودرو و اقلام مرکز فروش کوثر

آدرس محل بازدید: کرمانشاه، میدان امام خمینی (ره)، بلوار امام، جنب پمپ بنزین ولیعصر (عج) روبروی تالار رضا، موسسه شهید رجایی
تلفن تماس: ۰۹۱۸۳۸۵۲۷۶۵

الف) شرایط مزایده:

- ۱- اهلیت قانونی خریدار (همراه داشتن اصل و کپی کارت ملی الزامی می باشد)
- ۲- خریدار موظف است به محض برنده شدن ۱۰٪ قیمت خرید را به عنوان سپرده به صورت نقد، از طریق کارت های بانکی عضو شبکه شتاب (به نام شخص خریدار) و یا چک پول پرداخت نمایند.
- ۳- بابت پرداخت سپرده بالاتر از مبلغ پانصد میلیون ریال تهیه چک رمزدار در وجه مرکز فروش کوثر به میزان ۱۰٪ قیمت پیشنهادی الزامی است.
- ۴- در صورت انصراف خریدار، سپرده به نفع فروشنده ضبط خواهد شد.
- ۵- خریدار مکلف است علاوه بر قیمت خرید ۲٪ بابت هزینه های جانبی مزایده و ۹٪ بابت مالیات بر ارزش افزوده به فروشنده پرداخت نماید.
- ۶- فروشنده در رد یا قبول پیشنهادها مختار می باشد.
- ۷- کلیه هزینه های پس از فروش به عهده خریدار می باشد.

ب) زمان و مکان:

- زمان بازدید مزایده: روزهای شنبه و یکشنبه ۱۰ و ۱۱ خرداد ماه ۱۳۹۹ صبح از ساعت ۸ الی ۱۲ و عصر ۱۴ الی ۱۶.
- زمان برگزاری مزایده: روز دوشنبه ۱۳۹۹/۰۳/۱۲ خودرو ساعت ۹ صبح و اقلام ۱۰:۳۰ صبح
- آدرس محل برگزاری مزایده: کرمانشاه، کیلومتر ۵ جاده بیستون، نرسیده به پل پایانه، روبروی پمپ بنزین ایثار، به طرف روستای سیاه بید، آماد و پشتیبانی حضرت نبی اکرم (ص)
تلفن تماس: ۰۹۱۸۳۸۵۲۷۶۵

مرکز فروش کوثر در نظر دارد، تعداد ۳۷ دستگاه انواع خودرو سبک، سنگین، موتورسیکلت و نیز اقلام اسقاط و مستعمل ذیل را از طریق مزایده حضوری به فروش رساند.

تنوع خودرو:

پیکان (سواری و وانت) - پژو سواری (رو آ و GLX ۴۰۵) - مزدا وانت (۱۶۰۰ و ۲۰۰۰) - تویوتا وانت و استیشن FJ ۷۵ - بنز کامیون کمپرسی ۲۶۲۸ و ۲۶۲۴ - اتوبوس بنز ۴۵۷ C - بنز کامیون میکسر ۲۶۲۸ - بنز کامیون کشنده ۲۶۲۴ - بنز کامیون تانکر ۱۹۲۱ - موتورسیکلت هوندا تریل ۲۰۰XL

اقلام اسقاط و مستعمل:

انواع کانترینر و کانکس - قالب فلزی ستون ساختمان - دستگاه ناوایی - لوازم سنگ شکن - گریس ضایعاتی

آدرس محل بازدید: کرمانشاه، کیلومتر ۵ جاده بیستون، نرسیده به پل پایانه - روبروی پمپ بنزین ایثار. به طرف روستای سیاه بید، آماد و پشتیبانی حضرت نبی اکرم (ص)
تلفن تماس: ۰۹۱۸۳۸۵۲۷۶۵

آهن آلات ضایعاتی، اقلام عمومی شامل (قطعات داغی، کابل مختلف، لوازم برقی، پرژکتور، آلومینیوم، قاب مهتابی)

آدرس محل بازدید: کرمانشاه، قصر شیرین، روستای کرکه رک، ۲۵ کیلومتری جاده گیلانغرب، موسسه حرا
تلفن تماس: ۰۹۱۸۳۸۵۲۷۶۵

آهن آلات و میلگرد ضایعاتی

آدرس محل بازدید: ایلام، کیلومتر ۲۵ جاده ایلام به مهران، روبروی زائر سرای آب نیرو، کارگاه سد مخزنی کنجان چم
تلفن تماس: ۰۹۱۸۳۸۵۲۷۶۵

آهن آلات و میلگرد ضایعاتی

شگرد عجیب مجرم حرفه‌ای برای سرکیسه کردن طعمه‌ها کلاهبرداری با عکس حیوانات



«حیوانات خانگی طرد شده» شگردی بود برای کلاهبرداری‌های پسر جوان از طرفداران حیوانات. شگرد عجیبی که تا به حال ۱۰ شاکی آن شناسایی شده‌اند و پلیس در جست‌وجوی سایر مالباختگان احتمالی این پرونده است. پسر جوان با این ترفند پول زیادی به جیب زد و تصورش را هم نمی‌کرد پلیس بتواند ردی از او بزند و راز کلاهبرداری‌هایش برملا شود. کلاهبرداری‌هایی با شیوه و برچسب حیوانات خانگی که وجود خارجی نداشتند. این کلاهبردار در گفت‌وگویی با تپش به تشریح این شگردش پرداخته که در ادامه می‌خوانید.

شگردت برای کلاهبرداری چه بود؟

صفحه‌ای در اینستاگرام تاسیس کردم با عنوان حمایت از حیوانات خانگی. عکس حیوانات خانگی به خصوص سگ را در صفحه‌ام منتشر می‌کردم. سگ‌هایی از نژادهای مختلف، در توصیف عکس‌ها می‌نوشتیم که این حیوانات خانگی از سوی صاحبان شان طرد و رها شده‌اند. این موضوع را هم بیان می‌کردم که حیوانات رها شده را به خانه‌ام آورده و از آنها مراقبت می‌کنم و در جست‌وجوی صاحبان جدید و حیوان دوست برای آنها هستم. بازدیدکننده‌های صفحه‌ام هم که بیشتر آنها مدافعان حقوق حیوانات بودند با دیدن صفحه‌ام از من استقبال می‌کردند و خواستار حیوانات رها شده می‌شدند.

برای واگذاری حیوانات خانگی پول می‌گرفتی؟

نه. اتفاقاً می‌گفتم این حیوانات مجانی هستند. با این ترفند اعتماد آنها را جلب می‌کردم و آنها بیشتر به پذیرش حیوان خانگی علاقمند می‌شدند.

پس چطور کلاهبرداری می‌کردی؟

با هزینه‌های جانبی. از درخواست‌کنندگان حیوانات خانگی مبلغی را برای هزینه پول غذا و لوازم جانبی حیوانات و درمان حیوانات می‌گرفتم. به آنها می‌گفتم حیوانات چون رها شده بودند به دامپزشکی برده‌ام و کلی هم هزینه کرده‌ام.

از هر کسی چقدر می‌گرفتی؟

بستگی به طرف مقابلم داشت. از ۵۰۰ هزار تومان تا سه میلیون تومان. بعد از واریز پول‌ها هم تلفنم را جواب نمی‌دادم و سراغ مشتری بعدی می‌رفتم.

چه شد که به فکر راه اندازی چنین صفحه‌ای و کلاهبرداری از این طریق افتادی؟

با توجه به شرایط و اوضاع، خیلی‌ها به فکر پولدار شدن هستند و من هم یکی از آنها. از طرفی به خاطر کرونا سرقت حضوری نمی‌شود انجام داد و شگرد باید اینترنتی باشد. از آنجا که به حیوانات علاقه زیادی دارم و اطلاعاتی هم در خصوص آنها دارم تصمیم گرفتم این شیوه را برای پولدار شدن انتخاب کنم.

فکرش را می‌کردی دستگیر شوی؟

نه. با خودم می‌گفتم آنقدر این کارم حرفه‌ای است که هیچ ردی از من به جا نمی‌ماند. هویت صفحه اینستاگرام جعلی بود، شماره کارتی هم که پول‌ها به آن واریز می‌شد از این کارت‌هایی بود که هویت درست و حسابی نداشت. پول‌ها را هم تبدیل به طلا و دلار می‌کردم، فکر همه چیز و همه جای کار را کرده بودم و تصورم را هم نمی‌کردم به این راحتی بازداشت شوم.

چه شد که این ماجرا لو رفت؟

وقتی دریافت‌کننده‌های حیوانات خانگی با من تماس می‌گرفتند تا خواستار حیوانات شوند با عدم پاسخگویی من روبه‌رو شدند. حیوانی نبود که بخواهم به آنها بدهم، کلی عکس بود که من در قالب حیوانات واقعی به آنها نشان می‌دادم ولی آنها نمی‌دانستند که این‌ها عکس‌هایی بی‌هویت هستند و خواستار حیوانات می‌شدند. خلاصه این که عدم پاسخگویی‌های من و پول‌های از دست رفته باعث شد مالباخته‌ها راهی اداره آگاهی شوند و علیه من شکایت کنند و من خیلی زود دستگیر شوم.

سابقه‌داری؟

نه. اما سابقه دار شدم. وسوسه پول و دست‌کم گرفتن قانون باعث شد مهر سابقه‌داری در پرونده‌ام بخورد.

پرسش و پاسخ قضایی

باتوجه به پرسش‌های ارسالی خوانندگان تپش در خصوص موضوعات حقوقی از جمله منع همسر برای کار، آزمایش بارداری قبل از طلاق و ورود به زور به خانه دیگران



مریم جنت‌آبادی، کارشناس ارشد حقوق خصوصی به سوالات شما پاسخ داده است. مخاطبان می‌توانند پرسش‌های حقوقی خود را با ارسال پیامک به شماره ۳۰۰۰۱۱۲۲۴ مطرح کنند و پاسخ را در همین صفحه بخوانند.

منع کار همسر

می‌توانم همسر را از کار در بیرون خانه منع کنم؟

تبعیضی میان زن و مرد در زمینه اشتغال وجود ندارد و مرد نمی‌تواند همسر خود را از اشتغال در بیرون از خانه منع کند. البته این موضوع استثنا هم دارد. آن هم نوع شغل است. اگر کار همسر خلاف شرع و مصالح عمومی باشد می‌توان او را از آن کار منع کرد.

آزمایش بارداری قبل از طلاق

مدتی است با همسرم اختلاف پیدا کرده و با حالت قهر به خانه پدرم رفتم. بعد از شش ماه قهر برای طلاق توافق کردیم. الان باید آزمایش بارداری بدهم؟

بر اساس ماده ۳۱ قانون حمایت از خانواده گواهی در خصوص وجود یا عدم وجود جنین یا همان بارداری هنگام طلاق الزامی است؛ هرچند زوجه به باکره بودن خود اقرار کند.

ورود به زور به خانه دیگران

فردی به زور و بدون اجازه وارد خانه من شده است، به خاطر این کار می‌توانم از او شکایت کنم؟

بله. با استناد به ماده ۶۹۴ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) می‌توانید از او شکایت کنید. قانونگذار برای این جرم، شش ماه تا سه سال حبس در نظر گرفته است.

اول بخوان بعد امضا کن

هر هفته در این بخش به تشریح

محمد غمخوار
کارشناس ارشد حقوق

موضوعات حقوقی به زبان ساده پرداخته می‌شود تا بیش از پیش با حقوق قانونی خود آشنا شویم. موضوعات این ستون باتوجه به

پرسش‌های حقوقی شما انتخاب شده است. این هفته به بررسی ابعاد حقوقی شروط عقدنامه پرداخته‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

یا تجربه کرده‌اید یا دیده‌اید که بعد از جاری شدن صیغه عقد، نوبت به امضاها می‌رسد و عاقد محل‌هایی را در عقدنامه به عروس و داماد نشان می‌دهد و آنها هم بدون این که بدانند پای چه تعهداتی را امضا می‌کنند، سعی می‌کنند زودتر از این مرحله عبور کنند و پشت سر هم امضا می‌کنند. البته

بیشتر بدانیم

جنون مرد، اشتغال مرد به شغلی که منافعی با مصالح خانوادگی باشد، محکومیت مرد به حکم قطعی به مجازات پنج سال حبس یا بیشتر، ابتلای مرد به هرگونه اعتیاد، مرد زندگی خانوادگی را بدون عذر موجه ترك کند، محکومیت قطعی مرد در اثر ارتکاب به جرم و اجرای هرگونه مجازات که مغایر با حیثیت خانوادگی و شئون زن باشد، عقیم بودن یا عوارض جسمی مرد که بعد از پنج سال از ازدواج باعث عدم بارداری زن شود، در صورتی که مرد مفقودالاثر شود، مرد همسر دیگری بدون رضایت زن اختیار کند، موارد ۱۲ گانه‌ای است که مرد به همسرش اجازه می‌دهد با مراجعه به دادگاه خانواده درخواست طلاق بدهد. حال ممکن است زوجه یا همان زن، شروط دیگری را مانند حق مسکن، حق خروج از کشور و... را ضمن عقد مطرح کند که با امضای آن، حق سلب این حقوق را از همسران ندارد. پس قبل از امضای عقدنامه با این شروط آشنا شده و در صورت رضایت آن را امضا کنید و بدانید هیچ اجباری برای امضای آنها وجود ندارد.

مردان باید کمی تأمل کنند و با خواندن شروط ۱۲ گانه بدانند چه حقوقی را به همسرشان می‌دهند تا اگر خدایی ناکرده بعدها در زندگی زنشویی به مشکل خوردند و کار به دادگاه و احقاق حق رسید، شوکه نشوند.

آنهايي که پيش از خواندن اين مطلب امضاها را پای عقدنامه زده‌اند و آن دسته دامادهایی که منتظرند هرچه زودتر از مرحله عقد عبور کنند باید بدانند، با امضای یکی از بندها، زوجین توافق می‌کنند در زمانی که طلاق به درخواست زن نباشد یا طلاق به دلیل تخلف زن از وظایف همسری‌اش نباشد، مرد نصف اموالی را که در ایام زندگی مشترک به دست آورده است، به زن بدهد.

همچنین مرد به همسرش وکالت می‌دهد در صورت وجود هریک از شروط ۱۲ گانه عقدنامه با مراجعه به دادگاه درخواست طلاق کند.

خودداری مرد از پرداخت نفقه به مدت شش ماه، سوء رفتار یا سوء معاشرت مرد، ابتلای مرد به امراض صعب‌العلاج،